

Semiotics of Nonverbal Communication in Saud Al-Sanousi's Novel *the Bamboo Stalk*

Ali-Akbar Noresideh^{ORCID}

Department of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran (**Corresponding author**).
noresideh@semnan.ac.ir

Maryam Khodadadi^{ORCID}

Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran. khodadadimaryam622@alum.semnan.ac.ir

Abstract

Semiotics, as the study of signs and signification, has long occupied an important position in the humanities and has expanded to encompass various forms of human communication. Signs function as effective means of conveying meaning and messages to audiences, either verbally or nonverbally. As a branch of semiotic studies, nonverbal communication encompasses a wide range of bodily and behavioral signs, including facial expressions, gestures, laughter, crying, eye movements, and other forms of body language. Such signs may independently convey messages or reinforce and modify verbal communication. Nonverbal communication can perform several functions, including substitution, emphasis, completion, contradiction, repetition, and regulation. The present study aims to identify, classify, and analyze voluntary and involuntary forms of nonverbal communication in Saud Al-Sanousi's novel *The Bamboo Stalk*, with particular attention to their role in conveying emotions, psychological states, cultural identities, and social relationships. The study employs a descriptive-analytical approach to examine the semiotic functions of nonverbal signs and their contribution to the construction of meaning and characterization. The analysis focuses on several dimensions, including nonverbal cues and cultural identity, social and class distinctions, body language and the characters' inner emotions, and the role of narrative space and environment in shaping nonverbal communication. The findings indicate that bodily movements, gestures, facial expressions, eye contact, silence, and spatial arrangements function as significant semiotic devices through which cultural and identity conflicts, social inequalities, emotional tensions, and unspoken experiences are represented. The analysis demonstrates that nonverbal

¹**Cite this article:** Noresideh, A.A. & Khodadadi, M. (2026). Semiotics of Nonverbal Communication in Saud Al-Sanousi's Novel *the Bamboo Stalk*. *Research in Arabic Language and Literature Education* 8(2) p. 1-20.

<https://doi.org/10.48310/ALLE.2025.18022.1202>

Received: 2025/12/24; **Revised:** 2026/05/12; **Accepted:** 2026/06/04; **Published online:** 2026/10/02

Article type: Research Article

Publisher: Farhangian University



©2026 authors retain the copyright and full publishing rights.

<https://amozesharabi.cfu.ac.ir>

signs play a significant role in characterizing the protagonists and revealing psychological and emotional states that are not explicitly expressed through verbal language. The study examines 804 instances of nonverbal signs, of which 413 are classified as voluntary movements and 391 as involuntary movements. Among the identified functions, substitution represents the most frequent function, followed by completion. The findings further suggest that nonverbal signs contribute substantially to the representation of cultural differences between Filipino and Kuwaiti identities, social and class distinctions, and the internal conflicts experienced by the protagonist. Narrative spaces also function as semiotic contexts that reinforce these contrasts and provide a framework for the expression of nonverbal behavior. The findings demonstrate that the semiotics of nonverbal communication constitutes a significant narrative and representational strategy in *The Bamboo Stalk*. Through the artistic use of bodily movements, gestures, facial expressions, silence, eye contact, and spatial arrangements, Al-Sanousi conveys implicit and complex meanings that extend beyond verbal discourse. These nonverbal signs contribute to the representation of identity, cultural difference, social and class conflict, and human emotions, thereby enriching the semantic and narrative dimensions of the novel. The study concludes that attention to nonverbal communication provides a valuable perspective for a deeper understanding of the novel's multilayered meanings and its representation of cultural and social tensions.

Keywords: Semiotics; Nonverbal Communication; Body Language; Saud Al-Sanousi; *The Bamboo Stalk*.

سیمیائیة التواصل غير اللفظي في رواية ساق البامبو لسعود السنعوسي

علی اکبر نورسیده^{۱۵}

noresideh@semnan.ac.ir

قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة سمنان، سمنان، ایران (الباحث المسؤول).

مریم خدادادی^{۱۶}

قسم الأدب العربي، جامعة سمنان، كلية العلوم الإنسانية، سمنان، سمنان، ایران. khodadadimaryam622@alum.semnan.ac.ir

الملخص

للسيميائية جذور في أقدم عصور الفكر الإنساني، وقد توسعت في متاهة التاريخ البشري المليئة بالغموض. حتى تم البحث عن أنواع العلامات في العلوم الإنسانية والعلوم التجريبية. إن استخدام العلامات كأداة فعالة في جميع أنحاء الحياة يتزايد يوماً بعد يوم؛ بحيث وجدت العلامات وظيفتها الأكبر في نقل المعنى من خلال الرسالة إلى المتلقي. وأحياناً تنتقل هذه الرسالة لفظياً أو غير لفظي إلى الآخرين، وبما أن التواصل غير اللفظي يعتبر أحد فروع السيميائية فهو يشمل جميع أنواع الحركات والسلوك غير اللفظية للأشخاص، بما في ذلك الضحك وتعبيرات الوجه والبكاء والتحدث وحركات الجسم، وما إلى ذلك. كما يمكن لإشارات الاتصال غير اللفظية أن تنقل رسالة بشكل مستقل إلى الآخرين أو تساعد في جعل الرسائل اللفظية أكثر فعالية. يحتوي هذا النوع من التواصل على ست وظائف وهي الاستبدال والتأكيد والاستكمال والإنكار والتكرار والتحكم. يهدف هذا البحث تقديم وتصنيف وتحليل أنواع التواصل غير اللفظي الإرادي وغير الإرادي في رواية ساق البامبو حتى يقول كيف يمكن للغة الجسد أن تنقل سلوكيات حركية مثل الحب أو الخوف أو القلق أو غيرها من الحالات. وقد تناول هذا البحث أنواع التواصل غير اللفظي وتنوع علاماته باستخدام المنهج الوصفي التحليلي لبيان وظيفتها في فهم الألفاظ وتوصيفها في الرواية. كما أنه بعد دراسة الرواية واستخراج أمثلة عن التواصل غير اللفظي الإرادي وغير الإرادي، يمكن القول إن التواصل غير اللفظي هو من أكثر الحالات استخداماً وفعالية في الرواية. وقد استخدم المؤلف إجمالي ۸۰۴ إشارة غير لفظية و ۴۱۳ حركة إرادية و ۳۹۱ حركة غير إرادية. ومن بين المناهج، فإن منهج الاستبدال والإكمال له أكثر عدداً، والمنهج التحكم والإنكار والتكرار أقله في الرواية.

الكلمات المفتاحية: السيميائية، اتصالات غير اللفظية، سعود السنعوسي، ساق البامبو.

نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در رمان ساق البامبو اثر سعود السنعوسی

علی اکبر نورسیده^۱

گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول). noresideh@semnan.ac.ir

مریم خدادادی^۲

گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

khodadadimaryam622@alum.semnan.ac.ir

چکیده

نشانه‌شناسی ریشه در کهن‌ترین روزگاران تفکر آدمی دارد و در هزارتوی تاریخ پراز رمز و راز گسترش یافته تا جایی که انواع نشانه‌ها را در علوم انسانی و تجربی مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌کارگیری نشانه‌ها به‌عنوان ابزاری مؤثر در تمامی ابعاد زندگی در حال رشد و افزایش است؛ به‌طوری‌که کارکرد اصلی نشانه‌ها انتقال معنا از طریق پیام به مخاطب است. گاه این پیام به‌صورت کلامی یا غیرکلامی به دیگران انتقال می‌یابد و از آن‌جایی که ارتباط غیرکلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی به‌شمار می‌رود، شامل انواع رفتارهای حرکتی و غیرکلامی افراد از جمله حالات خنده، حالات چهره، حالات گریه و حرکات بدنی و ... است. همچنین نشانه‌های ارتباط غیرکلامی می‌تواند به‌صورت مستقل پیامی را به دیگران منتقل کند و یا کمک کند تا پیام‌های کلامی تأثیرگذارتر شوند. این نوع ارتباط دارای شش کارکرد جانشینی، تأکیدی، تکمیل کردن، تکذیب کردن، تکرار کردن و کنترل کردن است. هدف از پژوهش حاضر معرفی، طبقه‌بندی و تحلیل انواع ارتباطات غیرکلامی ارادی و غیرارادی در رمان ساق البامبو است تا نشان دهد زبان بدن چگونه می‌تواند رفتارهای حرکتی مانند محبت، ترس، اضطراب یا حالت‌های دیگر را انتقال دهد. این پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی به بررسی انواع ارتباطات غیرکلامی و تنوع نشانه‌ها برای تبیین کارکرد آن‌ها در فهم کلام و شخصیت‌پردازی در رمان می‌پردازد. نتیجه حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد، السنعوسی از مجموع ۸۰۴

^۲ **استناد به این مقاله:** نورسیده، علی اکبر؛ خدادادی، مریم (۱۴۰۵). نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در رمان ساق البامبو اثر سعود السنعوسی. پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، ۸(۲)، ص ۲۰-۱.

<https://doi.org/10.48310/ALLE.2025.18022.1202>



پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره ۸، شماره ۲، ۱۴۰۵

نشانه غیرکلامی ۴۱۳ مورد آن به بررسی حرکات ارادی و ۳۹۱ مورد آن به حرکات غیرارادی اختصاص داده است که بیشترین کارکرد را جانشینی و پس از آن تکمیلی داشته است.

کلمات کلیدی: نشانه‌شناسی، ارتباط غیرکلامی، السنعوسی، ساق البامبو.

۱. مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و تمایل دارد روابط اجتماعی ایجاد کند. ارتباطات انسان‌ها شامل اشکال مختلفی از جمله حالت چهره، صدا، کلمات، رفتارها و حرکات است. این ارتباطات می‌توانند به دو صورت کلامی و غیرکلامی باشند که در بسیاری از موارد، ارتباط غیرکلامی تأثیر بیشتری دارد. ارتباط غیرکلامی ممکن است ارادی یا غیرارادی باشد و در شرایط خاص اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. نشانه‌شناسی که به‌عنوان علم نشانه‌ها شناخته می‌شود، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که ارتباط میان نظام‌های نشانه‌ای مختلف مانند تصاویر، آواها، حرکات و نمادها را بررسی می‌کند (قهرمان، ۱۳۸۹: ۲۶). این دانش از اوایل قرن بیستم وارد حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی شده و به تحلیل نشانه‌های موجود در جهان و فرآیند معناسازی در پدیده‌ها می‌پردازد. اگر نشانه‌شناسی را از لحاظ تاریخی بررسی کنیم، بقراط اصطلاح Semeion را در پزشکی برای توصیف علائم بیماری وضع کرد و این روش هنوز هم در تشخیص بیماری‌ها توسط پزشکان کاربرد دارد. باوجود قدمت افکار نشانه‌شناختی، مبانی مدرن آن عمدتاً از تحقیقات فردینان دی سوسور، زبان‌شناس سوئیسی و چارلز سندرز پیرس، منطق‌دان آمریکایی، نشأت گرفته است (هاشمی، صادق، ۱۴۰۰: ۱۴). سوسور نشانه را متشکل از دال (تصویر صوتی) و مدلول (مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند) می‌داند و معتقد است که رابطه این دو قراردادی و اختیاری است (قهرمان، ۱۳۸۹: ۲۶). برای مثال، واژه «کفش» تنها یک صورت آوایی است که نشان‌گر مفهوم ذهنی «کفش بودن» است. پیرس نیز نشانه را چیزی می‌داند که برای ذهن ناظر نمایان‌گر چیزی دیگر باشد و در صورتی که تعیین‌کننده موضوعی در جهان خارج باشد، خود نیز یک نشانه محسوب می‌شود (هاشمی، صادق، ۱۴۰۰: ۱۴). این نظریات امروزه در حوزه‌هایی مانند نقد ادبی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فیلم‌شناسی و هنرهای بصری مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از شاخه‌های مرتبط با نشانه‌شناسی، زبان بدن است. زبان بدن به پیام‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق اشارات و حرکات بدن منتقل می‌شوند (باقری خلیلی و زلیکانی، ۱۳۹۴: ۸۱). به عبارت دیگر، این نوع ارتباط فراتر از واژه‌ها و گفتار است و شامل حرکات سر و بدن، اشارات چشم و ابرو و حالت‌های چهره می‌شود. به گفته سببیاک «بدن به‌تنهایی می‌تواند بهترین ابزار برای ارتباط کلامی و غیرکلامی باشد، همان‌طور که در حیوانات مشهود است» (سببیاک، ۲۰۰۱: ۲۱). حالت‌های چهره نظیر اخم، ابروهای بالارفته، گریه و چشم‌های برافروخته، به‌صورت مستقل یا ترکیبی، نظامی ارتباطی قوی ایجاد می‌کنند. رفتار غیرکلامی طیف وسیعی از رفتارهای انسانی را دربرمی‌گیرد که پیام‌های ارتباطی را منتقل می‌کنند (علمایی، ۱۳۹۰: ۱۷۲). این رفتارها زمانی به ارتباط غیرکلامی تبدیل می‌شوند که توسط دیگران به‌عنوان پیام تفسیر شوند. از طریق این ارتباط، نه‌تنها می‌توان مقصود خود را منتقل کرد، بلکه امکان شناخت افکار دیگران از طریق حرکات ظاهری بدن نیز وجود دارد، امری که مستلزم مهارت خاصی است. رمان «ساق البامبو»، اثر سعود السنعوسی که در سال ۲۰۱۳ جایزه رمان عربی (بوکر) را دریافت کرد، به ارتباطات غیرکلامی و زبان بدن توجه ویژه‌ای دارد. نویسنده از طریق این ابزارها احساسات عمیق انسانی، نارضایتی‌های اجتماعی و برخی از واقعیت‌های تلخ جامعه را به تصویر کشیده و رمان را از کلیشه‌های معمول خارج کرده است. همچنین، او توانسته جامعه‌ای را که درگیر سنت‌های اشتباه خود است، از دیدگاهی همراه با تأسف و انتقاد به نمایش بگذارد. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده، بخش زیادی از ارتباطات انسانی به‌صورت غیرکلامی شکل می‌گیرد و از آنجاکه این حرکات و حالات بدن معمولاً غیرارادی و ناخودآگاه هستند، اغلب صادقانه‌تر از گفتار به نظر می‌رسند. بر همین اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند ابتدا مبانی و نظریات مطرح در نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی را بررسی کرده، سپس این مفاهیم را در تحلیل رمان ساق البامبو به کار گیرد، رمانی که سرشار از نشانه‌ها، نمادها و رمزه‌است.

۱-۱ سؤال تحقیق

۱. نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در رمان «ساق البامبو» چه کمکی به بازنمایی شخصیت‌ها، تعاملات اجتماعی و مفاهیم فرهنگی در متن روایت می‌کند؟

۲. نقش محورهای ارتباط غیرکلامی در شکل‌گیری و بروز عناصر رمان ساق البامبو چیست؟

۱-۲ ضرورت و هدف تحقیق

تاکنون پژوهش مستقلی در مورد زبان بدن و ارتباط غیرکلامی در رمان ساق البامبو نگاشته نشده است. این امر از یک‌سو و نیز وجود ظرفیت لازم برای بررسی این رمان که حاوی نشانه‌های غیرکلامی متعدد بوده و نقش غیرقابل‌انکار گفتمان بر مبنای زبان بدن در آن، به نگارش پژوهش حاضر پرداخته شده است. تا از تأثیر نشانه‌های غیرکلامی بر روند ارتباط در این رمان مطلع شویم و نیز نشان داده شود که کدام نوع ارتباط غیرکلامی در بین انواع کارکردهای زبان بدن در داستان، تأثیر بیش‌تری را بر روند داستان و القای پیام دارد و تا چه حدی زبان بدن با محتوا هم‌پوشانی دارد.

۱-۳ پیشینه تحقیق

پژوهش‌گران تحقیقات زیادی درباره زبان بدن و بازتاب آن در متون ادبی انجام داده‌اند از جمله:

۱ - جلیلیان و همکاران (۱۴۰۲)، در مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی زبان بدن در رمان النوم فی حقل الکروز اثر أزره جرجیس» آورده‌اند: رمان النوم فی حقل الکروز از علائم زبان بدن از جمله زبان چشم، دست، سر، لامسه، اندام و ظاهر فیزیکی بهره برده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جرجیس پیام‌هایی چون؛ تعجب و حیرت، اضطراب، خشم و غضب، فراموشی، ترس و ... را به واسطه زبان بدن به مخاطب انتقال می‌دهد که پرده‌برداری از آن‌ها در کشف پیام نهفته در متن سهم بسزایی دارد.

۲ - آزادی و همکاران (۱۴۰۰)، در مجله کاوش نامه ادبیات تطبیقی، در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی عناصر ارتباطات غیرکلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی» به صورت تطبیقی به بررسی این دو رمان پرداخته است. ایناس العباسی و ابراهیم حسن بیگی در رمان خویش از حوزه‌های معنای مرتبط با درون‌مایه رمان بهره برده‌اند. عصبانیت، اضطراب و ترس، تعجب، ناراحتی، تمسخر و تحقیر، درد از بارزترین مضامین به کار گرفته شده در رمان شب ناسور هستند. در رمان منزل بورقیه نیز عصبانیت، ترس و اضطراب، بی تفاوتی، ناراحتی، تفکر و شادی و هیجان موضوعات غالب هستند. هر دو نویسنده از ابزارهای مختلف برای بیان این مضامین استفاده کرده‌اند.

۳- سیده شیوا شورشینی (۱۴۰۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «نشانه‌شناسی کارکرد رفتارها و ارتباطات غیرکلامی دو رمان الحب فی المنفی اثر بهاء طاهر و زمین سوخته اثر احمد محمود» در دانشگاه اصفهان به بررسی تطبیقی این دو رمان پرداخته است که با استفاده از روش مکتب آمریکایی در ادبیات تطبیقی، به رمزگشایی این دو رمان و به مقایسه‌ی شباهت و تفاوت این نشانه‌ها در دو فرهنگ ایران و مصر می‌پردازد؛ و در این رمان نشان می‌دهد که هر دو نویسنده از حرکات دست، بدن و حالات چهره از جمله اشارات ابرو، چشم، نگاه، لب و حرکات پا، سر، سکوت، پیرازبان و ارتباط بساوی بهره برده‌اند. بیشترین کارکرد پیام‌های غیرکلامی در دو رمان جانشینی است.

۴- عارفه خمر زابلی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ی خود با عنوان «واکاوی تیپ شخصیتی قهرمان رمان ساق البامبو براساس تئوری آنیگرام (از منظر تیپ‌شناسی، سطوح سلامت و تیپ ثانویه)»، مجله پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، به تحلیل روان‌شناسی شناخت شخصیت‌ها می‌پردازد.

تئوری آنیاگرام یکی از الگوهای نوین روان‌شناسی در شناخت شخصیت است. الگوی تیپ‌شناسی آنیاگرام دارای نه تیپ شخصیتی است مانند اصلاح‌طلب، کمک‌گرا، موفقیت‌طلب، فردگرا، فکور، محتاط، خوش‌گذران، رهبر و صلح‌طلب است که با به‌کارگیری آن می‌توان نوع تیپ شخصیتی هر فرد را تشخیص داد.

۵- عبدالأحد غیبی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در رمان مصائر: کونشرتو الهولوکوست و النکبة از ربعی المدهون» در مجله الجمعیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها، با رویکرد نشانه‌شناسی و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عناصر غیرکلامی در این رمان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از ۱۴۵ نشانه غیرکلامی در این اثر، ۱۳۰ مورد دارای کارکرد جانشینی، ۱۴ مورد تکمیلی و یک مورد کنترلی بوده که عمدتاً در قالب پیرایان ظاهر شده‌اند. نویسنده از این عناصر برای شخصیت‌پردازی بهره برده است؛ به‌گونه‌ای که جولی شخصیتی مهربان و دل‌بسته به زادگاهش (عکا)، محمود فردی مقاوم و مبارز و فاطمه شخصیتی خونگرم توصیف شده است. علاوه بر این، استفاده از نشانه‌های غیرکلامی مانند دادوفریاد زدن، فضای تنهایی و آوارگی فلسطینی‌ها و ظلم اسرائیلی‌ها را به‌وضوح ترسیم کرده است.

همان‌طور که از پژوهش‌های مذکور برمی‌آید نشانه‌شناسی غیرکلامی با مقوله زبان بدن مرتبط و تا اندازه‌ای در یک راستا است و تاکنون پژوهش مستقلی به ارزیابی این مقوله در رمان «ساق البامبو» نپرداخته است. لذا این جستار بر آنست با نگاهی به مقوله زبان بدن و جایگاه آن در ارتباطات غیرکلامی، روایت مذکور را خوانش و ارزیابی نماید.

۲. نشانه‌شناسی

در جهان اطراف ما، مجموعه‌ای از نشانه‌ها وجود دارد که در زندگی روزمره، فراوان با آن برخورد داریم. درواقع انسان پدیده‌های اطرافش را به‌عنوان نشانه در نظر می‌گیرد و برای برقراری ارتباط با دیگران از آن بهره می‌گیرد. البته نشانه‌ها در بین انسان‌ها بر پایه‌ی قراردادی استوار است. از آن جهت نشانه‌ها قراردادی است که بر مفهومی دلالت می‌کنند که در اجتماع معنای آن‌ها بین افراد تصویب شده است و بر آن توافق نظر دارند؛ مانند برخی از بناهای تاریخی یا سازه‌هایی که به‌عنوان نشانه‌ای از یک محیط جغرافیایی در یک اجتماع بشری مرسوم می‌شود که در این مورد می‌توان به دیوار چین و پل سی‌وسه‌پل در اصفهان اشاره کرد. چندلر به نقل از امبرتو اکو می‌گوید: «نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۰). بر این اساس، نشانه‌ها می‌توانند از زبان و گفتار فراتر رفته و شامل حرکات بدن، حالات چهره و حتی سکوت شوند. در متون روایی، این نشانه‌ها به نویسنده کمک می‌کنند تا احساسات و روابط شخصیت‌ها را بدون استفاده از توضیحات مستقیم منتقل کند. از این رو، تحلیل نشانه‌شناختی یک اثر، می‌تواند به درک لایه‌های پنهان معنا در روایت منجر شود. طبق نظام نشانه‌ای می‌توان ارتباط را به‌صورت کلامی و غیرکلامی طبقه‌بندی کرد. در ارتباط کلامی یا آوایی؛ پیام یا نشانه به‌صورت زبانی و گفتاری منتقل می‌شود مانند سوت زدن یا صدا کردن کسی (آوایی)، ولی در ارتباط غیرکلامی یا غیرآوایی؛ پیام به‌صورت ایما، اشاره و حرکات بدنی منتقل می‌شود مانند بشکن زدن برای جلب توجه مخاطب که به‌صورت غیرآوایی است. براساس تعریف‌های بسیاری که از ارتباطات غیرکلامی ارائه شده است؛ دارلین آر. ولوین، ری ام. برکو، آندرو دی. ولوین (۱۳۷۸: ۱۵۲) در تعریف ارتباط غیرکلامی می‌گویند: «ارتباط غیرکلامی، نوعی ارتباط است که با استفاده از آن تمامی محرک‌های بیرونی، غیر از کلمات نوشتاری و گفتاری از طرف فرد ارائه شود». مایکل آرژیل می‌گوید: «ارتباطات غیرکلامی یا پیام‌رسانی بدنی، هنگامی روی می‌دهد که یک فرد به‌وسیله حالات چهره، لحن صدا یا هر مجرای ارتباطی دیگری فرد دیگری را تحت تأثیر قرار دهد این امر ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد» (هاشمی، ۱۴۰۰: ۶۳).

ارتباطات غیرکلامی به دو صورت اتفاق می‌افتد:

الف) ارادی، آگاهانه، با قصد و نیت قبلی

ب) غیرارادی، ناآگاهانه و بدون نیت قبلی.

بعضی اوقات ارتباطات غیرکلامی آگاهانه و از پیش تعیین شده است و فرد برای آن آموزش دیده است. ارتباط غیرکلامی به صورت غیرارادی هم اتفاق می‌افتد و در بیشتر اوقات فرد متوجه تغییرات حالت چهره و بدن خود نیست. مثلاً بستن ناگهانی چشم در مواجهه با نور خورشید یکی از همین اشکال است در این حالت بسته شدن چشم و جمع شدن پوست صورت در ناحیه دور چشم واکنش‌های پوست در برابر نور زیاد خورشید است. رنگ‌پریدگی صورت در هنگام تب به عنوان یک پیام غیرکلامی ناآگاهانه واکنشی است که از سوی سیستم عصبی بدن رخ می‌دهد. «برخی از آدم‌ها با قرار دادن کف دست بر سینه و پایین آوردن مختصر سر، به دیگران اظهار ارادت و دوستی می‌کنند. این عمل ارادی است که فرد براساس قراردادهایی که در اجتماعش وجود دارد پیامی را می‌فرستد. ممکن است شما با فردی شروع به صحبت کنید و ببینید که رنگ رخسار او به تدریج سرخ می‌شود. از این سرخ شدن صورت او نیز پیامی دریافت می‌کنید؛ اما در اینجا فرستنده این پیام، پیام خود را به صورت غیرارادی می‌فرستد» (محسنیان راد، ۱۳۸۹: ۲۴۴).

در یک تقسیم‌بندی، پیام (ارتباط) غیرکلامی دارای شش کارکرد است.

- ۱ - تکمیل کردن: پیام‌های غیرکلامی در کنار پیام‌های کلامی، معنا را تقویت و روشن‌تر می‌کنند. برای مثال، وقتی کسی هنگام گفتن «از دیدنت خوشحالم» فرد مقابل را در آغوش می‌کشد، پیام او اثرگذارتر خواهد بود.
- ۲ - تکذیب کردن: گاهی پیام‌های غیرکلامی، پیام کلامی را نقض یا خنثی می‌کنند. در چنین مواردی، مردم بیشتر پیام غیرکلامی را باور می‌کنند؛ مانند کسی که با لحن سرد و صدایی خصمانه می‌گوید: «مشکلی پیش نیامده است» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵).
- ۳ - تکرار کردن: پیام‌های غیرکلامی می‌توانند پیام‌های کلامی را تکرار کنند یا حتی بدون آن‌ها قابل فهم باشند. برای مثال، هنگام سفارش غذا در رستوران، گفتن «دو غذا» همراه با نشان دادن دو انگشت، پیام را واضح‌تر می‌کند.
- ۴ - کنترل کردن: پیام‌های غیرکلامی می‌توانند به تعاملات کلامی جهت دهند؛ مانند نگاه کردن یا برگرداندن نگاه، بالا بردن انگشت برای پایان صحبت یا تغییر آهنگ صدا برای تأکید.
- ۵ - جانشینی: در برخی موارد، پیام‌های غیرکلامی جایگزین کلام می‌شوند. برای مثال، یک نگاه خصمانه می‌تواند به اندازه بیان یک جمله منفی، پیام را منتقل کند.
- ۶ - تأکیدی: این پیام‌ها برای برجسته کردن پیام کلامی استفاده می‌شوند. مکث پیش از صحبت کردن نشان می‌دهد که پیام مهمی در راه است و باید به آن توجه کرد (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵).

۳. رمان ساق البامبو

رمان «ساق البامبو» اثری واقع‌گرایانه و خیال‌پردازانه از سعود السنعوسی است که به موضوع مهاجرت کارگران به کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌ویژه کویت و مشکلات آنان می‌پردازد. این رمان در شش بخش روایت می‌شود و داستان زندگی عیسی (هوزیه)، فرزند یک کارگر فیلیپینی و یک مرد کویتی از خانواده‌ای اصیل را روایت می‌کند. مادرش ژوزفین که برای تأمین معاش خانواده به کویت مهاجرت کرده بود، با راشد طاروف ازدواج می‌کند، اما این پیوند از سوی خانواده راشد، به‌ویژه مادرش غنیمه، پذیرفته نمی‌شود. در نتیجه، ژوزفین به همراه پسرش به فیلیپین بازمی‌گردد و عیسی فقیر و دور از پدر بزرگ می‌شود.

پس از مرگ راشد در جنگ کویت و عراق، ژوزفین پسرش را به بازگشت به کویت تشویق می‌کند تا هویت واقعی خود را بازیابد. عیسی که در مرز نژادها، احیان و فرهنگ‌ها زندگی کرده، در هجده‌سالگی برای رهایی از فقر و یافتن خانواده پدری راهی کویت می‌شود؛ اما خانواده پدری او، به دلایلی چون پیش‌داوری‌های اجتماعی و فرهنگی، از پذیرش او سرباز می‌زنند. عیسی که با بحران هویت روبه‌رو است، به همراه یک جوان مسلمان فیلیپینی، زندگی مستقلی را در کویت آغاز می‌کند و برخی سنت‌های کویتی را نقد می‌کند. «سنعوسی، در این رمان بر بحران هویت تأکید دارد و نشان می‌دهد که هویت از ضرورت‌های بنیادین زندگی است و بحران آن، زندگی اجتماعی را تهدید می‌کند» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۱۶).

۴. پردازش و تحلیل موضوع

ارتباطات غیرکلامی از اهمیت خاصی برخوردار است و شانس پیروزی یا شکست انسان را در برخوردهای اجتماعی، شخصی و شغلی شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهند که در هر مکالمه، فقط ۷ درصد از مفاهیم در قالب کلمات شفاهی بیان می‌شوند. عمده اطلاعات که به‌صورت ارادی و غیرارادی از طریق ترکیب پیچیده‌ای از وضع ظاهری، وضع اندامی، حرکت اندامی، نگاه و حالات چهره انتقال می‌یابند. این کاملاً روشن است که ما علاوه بر انجام اعمال انعکاسی، می‌توانیم اعمال آگاهانه و ارادی نیز انجام دهیم. انسان‌ها این توانایی را دارند طرحی بریزند و بعد آن را به مرحله عمل و اجرا برسانند. ممکن است بخواهند چیزی را بردارند و بعد همین کار را انجام دهند. همچنین مقوله‌های غیرکلامی ارادی در صحنه‌های رمان می‌تواند ویژگی‌های شخصیتی، تعلقات فرهنگی، سنت‌ها و عقاید، ارزش‌ها و خلق‌وخو و ... را به شکل زندگی واقعی آن‌ها نشان دهد. السنعوسی نیز با بهره‌گیری از این ارتباط غیرکلامی توانسته به معرفی شخصیت‌ها و نشان دادن تضادها و شباهت‌ها بین شخصیت‌ها و همچنین فرهنگ‌ها پردازد و باعث واقع‌گرایی متن داستان شود. در این بخش نیز سعی شده به نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی ارادی و غیرارادی در رمان ساق البامبو پرداخته شود.

۱-۴ حالات چشم

چشم یکی از مهم‌ترین اجزای چهره است، البته با نگاه کردن بیش‌ترین پیام‌های غیرکلامی را از طریق آن می‌توان ارسال کرد. «ارتباط چشمی به دو صورت عمودی و غیرعمودی رخ می‌دهد که هر دو نوع آن حامل اطلاعات است هرچند تعاملی شکل نگیرد» (مورنای، ۱۳۸۷: ۷۲). در این میان بعضی از حالات و رفتارها وجود دارد که انسان می‌تواند با اراده و آگاهی قبلی آن را انجام بدهد. ازجمله چرخاندن نگاه یا برگرداندن نگاه از دیگران و مخفیانه به کسی نگاه کردن و ... که به‌صورت ارادی و آگاهی این حرکت صورت می‌گیرد.

۱-۱-۴ چشم‌پوشی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ارتباط چشمی، چشم‌پوشی کردن در نگاه پاک و دور از هرگونه آلودگی اخلاقی به دیگران و به‌خصوص به جنس مخالف است. نگاه رو به پایین نشانه‌ای بر تسلیم و حقارت است؛ اما در فرهنگ‌های مختلف، تفاسیر متفاوتی دارد. در فرهنگ غربی نشانه یک برخورد است و کسی که حاضر به این رقابت نیست، در فرهنگ‌های دیگر این موضوع متفاوت است. برای مثال برخورد چشم در چشم پُرویی و مزاحمت تلقی می‌شود. در فرهنگ‌های شرقی به‌دلیل پیشینه تاریخی و مذهبی نگاه کردن مستقیم یک زن به چشم یک مرد نشانه پُرویی و جسارت است. به همین دلیل زنان با چشمان روبه‌پایین حرکت می‌کنند. ولی اگر زنی در چنین فرهنگ‌هایی روبه بالا نگاه کند، نشانه شخصیت قوی و علامتی شدید و احساسی است (مولکو، سامی، ۱۳۹۵: ۱۳۵). «ثم تعاود الحديث إلى غسان. لاحظت أنه لا ينظر إليها أثناء حديثهما. كنت صامتا. أنقل نظري بينهما. كأنني أ شاهد فلما بلغه أجهلها، من دون ترجمة، ورغم الملامح والتعبير السلبية على وجهي عمتي وغسان فإنني كنت أترجم حديثهما كما أشتهي» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۱۸).

ترجمه: «متوجه شدم که غسان موقع حرف زدن با او به صورتش نگاه نمی‌کند. من خاموش بودم. نگاهم میان آن دو در رفت‌وآمد بود. انگار دارم فیلمی به زبان خارجی، بدون زیرنویس، تماشا می‌کنم. هرچند نگاه و وجنات صورتشان حامل پیام خوبی نبودند اما من به دلخواه خودم کلماتشان را ترجمه می‌کردم» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۴۵). عیسی وقتی برای اولین بار با خانواده پدری‌اش ملاقات کرد. خاله هند برای خوشامدگویی وارد سالن انتظار شد. در آن لحظه متوجه نگاه‌های غسان می‌شود که موقعی با خاله هند صحبت می‌کند نگاهش رو به پایین است. نگاه روبه‌پایین غسان نشان‌دهنده‌ی چشم‌پوشی کردن نگاه به جنس مخالف است. این حرکت به‌صورت ارادی و در قالب کارکرد جانشینی به مخاطب القا شده است.

۲-۱-۴ شادی

چشم‌ها دریچه‌ی احساسات درونی هستند. در حقیقت چشم‌ها افکار و هیجانات را با دقت هرچه‌تمام‌تر، آشکار می‌کند. همان‌طور که غم در چشم‌ها به‌وضوح دیده می‌شود، در هنگام خوشحالی نیز چشم‌ها گشاد می‌شود ابروها هم به سمت بالا می‌رود. این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که ما برای دیدن کسی هیجان‌زده می‌شویم یا اینکه پر از احساسات مثبتی هستیم. «تبعناها، فی حین کانت تلتفت إلى بابتسامة واسعة تشی بحجم سعادتها. دعتنا إلى الداخل. طلبت منا الجلوس. استأذنت، ثم ارتقت السلم وهي تدیر رأسها تنظر إلى بفرح أثناء صعودها» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۱۷). ترجمه: «دنبالش راه افتادیم، همچنان با لبخند گرمی به من نگاه می‌کرد که حکایت از وسعت شادی‌اش داشت. دعوتمان کرد برویم تو. از ما خواست بنشینیم. اجازه گرفت و از پله‌ها بالا رفت و همچنان که بالا می‌رفت سرش را به سمت من چرخاند و با خوشحالی نگاه می‌کرد» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۴۴). عیسی در همان دقایق آغازین ورودش به خانه‌ی مادر بزرگش با استقبال گرم خواهرش (خوله) روبه‌رو می‌شود. خوله که مسرور حضور عیسی است به‌طور ناخودآگاه شادمانی خود را در قالب زبان بدن نمود می‌دهد. همان‌گونه که در این مثال مشخص است، ابراز مسرت و شادمانی خوله در قالب زبان چشم نمایان شده است. همین مسئله منجر می‌شود چشم‌های شخصیت داستان دریچه‌ای به درون او باشند و بازتاب کلی فرآیندهای ذهنی او به‌طور مستقیم در قالب زبان بدن با کارکرد جانشینی و غیرارادی بهره گرفته است.

۳-۱-۴ تعجب

اصلی‌ترین عامل حرکت انسان در مواجهه با رویدادهای خارج از تصور تعجب است. این احساس در لحظه‌های هیجان‌آور زندگی اتفاق می‌افتد و فرد بدون این‌که متوجه رفتارش باشد تعجب خود را در قالب زبان بدن نشان می‌دهد. «شخصی که متعجب است چشمان خود را بسیار باز می‌کند و سفیدی چشم بالای عنبیه خود را نشان می‌دهد ابروهایش بالا می‌رود و کمانی می‌شود» (گل‌س، ۱۳۸۳: ۱۶۱). چشمان ما واکنش‌های چشمگیری ندارند؛ مگر اتفاق غیرمترقبه‌ای بیفتد. به‌محض این‌که انحرافی در جریان عادی زندگی بیفتد، عضلات چشم‌ها باز و چشم‌ها گشاد می‌شوند تا اطلاعات را بیشتر دریافت کنند. این یک واکنش غیرارادی بدن در مواجهه با اتفاقات خارج از ادراک انسان است. «نظرتُ إليها كالأبله:

—من هو مارکیز؟

فتحت عینیهما علی اتساعهما. سخرت، کعادتها، من جهلی:

—أنت لا تفهم شیئا! (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۵۷).

ترجمه: «ابلهانه به او خیره شدم:

-این مارکز کیست؟

چشم‌هایش گرد شدند. مثل همیشه بی‌اطلاعی‌ام را به مسخره گرفت:

-تو هیچ چیز نمی‌فهمی!» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۸۷).

عیسی و خوله برای این‌که همدیگر را در خلال بحثی که با هم داشتند قانع کنند با استناد و مدرک صحبت می‌کردند. در این‌بین، خوله برای استناد کردن صحبت‌هایش، از گفته‌ی مارکز استفاده کرد، ولی عیسی به دلیل این‌که مارکز را نمی‌شناخت باعث تعجب خواهرش شد. احساس تعجب و بهت از جمله احساساتی است که شخصیت زن داستان نمی‌تواند در زمان مواجهه با آنچه برخوردی داشته باشد. او بدون این‌که متوجه رفتار و حالات بدنی‌اش باشد این احساس را در قالب زبان بدن نمود می‌دهد. این پیام با کارکرد جانشینی و غیرارادی صورت گرفته است.

۲-۴ حالات نگاه کردن

انسان از طریق ارتباط چشمی می‌تواند متوجه دیگران شود؛ و اهمیت آن تا بدانجا است که محور رفتارهای اجتماعی افراد قرار می‌گیرد. «ارتباط‌گران معتقدند که نگاه کردن وسیله‌ای برای دریافت برون‌فکنی‌های دیگران اعم از محبت، کینه، بیزاری، نفرت و حتی بی‌تفاوتی، نگرانی، اضطراب و... بوده و حتی می‌تواند علائم تهدیدکننده‌ای را برای ما ارسال نماید؛ بنابراین نگاه هم علامت است و هم کانال ارتباطی. علامت برای گیرنده و کانال برای فرستنده» (باوان پوری، ۱۳۹۹: ۱۹۹).

۱-۲-۴ تعجب

نوع نگاه کردن گاهی اوقات بیانگر تعجب است. مخصوصاً زمانی که متوجه می‌شوید، دیگران از آن مسئله باخبرند. «ذات مساء، بعد وجبه العشاء، قلت لغسان: "لم أراك تعزف على الآلة كما أخبرتني أمي". نظر إلى وجهي والدهشة على وجهه. "هل تعني العود؟"، سألني. أجبته: "نعم"» (السنعوسي، ۲۰۱۲: ۱۹۹). ترجمه: «یک شب بعد از خوردن شام به غسان گفتم: «تا حالا ندیدم سازی را که مادرم تعریفش را کرده بود بنوازی». با تعجب به من نگاه کرد. پرسید: «منظورت عود است؟». جواب دادم: «بله»» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۲۳). زمانی که عیسی در مورد سازی که تعریفش را از مادرش شنیده بود را با غسان صحبت کرد، غسان به محض شنیدن حرف‌های عیسی در مورد ساز متعجب می‌شود و تعجب خود را در قالب زبان بدن بازتاب می‌دهد. همان‌گونه در این مثال نمایان است، احساس بهت و تعجبی که در درون شخصیت داستان وجود دارد موجبات گرایش او را به سمت زبان بدن میسر می‌سازد. زبان بدن مانند سایر شیوه‌های ارتباطی، پیام موردنظر را که حاکی از تعجب شخصیت داستان است در عرض چند لحظه به سمت مخاطب انتقال می‌دهد. این احساس که در نتیجه ترکیب زبان بدن "نظر إلى وجهي" در کنار واژه "والدهشة على وجهه" به وجود آمده است، گویای آن است که نوع نگاه غسان (شخصیت داستان) آمیخته با تعجب است. گیرنده پیام نیز به محض مشاهده نوع نگاه شخصیت داستان می‌تواند در عرض چند لحظه به احساسی که در درون او موج می‌زند، پی ببرد. این حرکت با کارکرد جانشینی و عملی غیرارادی صورت گرفته است.

۲-۲-۴ پرهیز از نگاه

هرگاه نخواهیم با کسی ارتباط برقرار کنیم سریع و به عمد نگاه خود را برمی‌گردانیم به طوری که وانمود می‌کنیم که اصلاً متوجه او نشده‌ایم. «پرهیز از نگاه نیز نشان می‌دهد که فرد به صحبت کردن طرف مقابل علاقه‌ی ندارد. ممکن است که فرد اعتماد به نفس نداشته باشد و نمی‌خواهد که شخص دیگری این را از چشم‌هایش بخواند.

همچنین ممکن است زمانی که فرد نمی‌خواهد ارتباط بیش‌تری برقرار کند از این نوع نگاه به‌عنوان تنظیم‌گر بهره می‌گیرد. به هر دلیل ممکن، دوری از نگاه کردن معمولاً به‌عنوان نوعی پرهیز در نظر گرفته می‌شود» (ریچموند، ۱۳۸۸: ۲۲۱). «جدّتی لا تنظر باتجاهی علی الإطلاق، وکأنی لست موجودا. تکوّر الرز بأطراف أصابعها وتأكّل بصمت» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۴۷). ترجمه: «مادربزرگ اصلاً به من نگاه نمی‌کرد، انگار نه‌انگار که من هم هستم. با انگشت‌هایش برنج‌ها را لقمه می‌گرفت و در کمال آرامش می‌خورد» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۷۶). عیسی همراه مادربزرگ و خواهر و خاله‌اش سر یک میز غذا می‌خوردند، در این حین عیسی متوجه نگاه‌های مادربزرگش می‌شود که اصلاً به او نگاهی نمی‌اندازد، طوری‌که انگار او وجود ندارد. این رفتار غیرکلامی به‌صورت آگاهانه و عمدی از سوی مادربزرگ اتخاذ شده است و نشان‌دهنده بی‌علاقگی وی نسبت به اوست. در چنین شرایطی زبان بدن جایگزین کامل ارتباط کلامی می‌شود و نشان می‌دهد وقتی فرد هیچ علاقه یا میلی در ایجاد ارتباط کلامی را ندارد، این زبان بدن است که همانند ارتباط کلامی عمل می‌کند و به‌وضوح پیام مورد نظر را به مخاطب القا می‌کند. این نوع نگاه که بیشتر به علت عدم علاقه، بی‌احترامی، هم‌صحبت نشدن با شخصیت داستان را نشان می‌دهد که با کارکرد جانشینی انتخاب شده است.

۳-۲-۴ کسب آگاهی

به اطراف نگاه کردن به‌قصد کسب اطلاع یکی از اموری است که به ذهن انسان خطور می‌کند. در این صورت نگاه در حال گردش از شیء به شیء دیگر در حال جستجو قرار دارد. «هممت بدخول. أوقفتنی خولۀ مترددة. التفتت إلى البيوت المجاورة، ثم قلت: "من هناك"» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۳۱). ترجمه: «خواستم وارد شوم. خوله با تردید نگهم داشت. به خانه‌های اطراف نگاهی کرد، بعد گفت: «از آنجا»» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۵۹). عیسی زمانی که در خانه مادربزرگ رسید خوله به‌اطراف نگاه کرد تا اوضاع را رصد کرده و اطلاعاتی کسب کند. این نشانه با کارکرد جانشینی و ارادی در کلام گنجانده شده است.

۴-۲-۴ کنجکاوی

جستجو کردن یک مطلب و نگاه کردن به اطراف یکی از حس‌هایی است که در وجود همه افراد وجود دارد. «اختفی فی إحدى الغرف فی حین بقیة واقفا حیث كنت أجدول بنظری فی أرجاء غرفة الجلوس الصغیرة...» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۳۰۵). ترجمه: «توی یکی از اتاق‌ها غیبش زد و من همین‌طور که ایستاده بودم دورتادور اتاق کوچک نشیمن را دید می‌زدم...» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۳۴۲). عیسی به‌طور اتفاقی یکی از جوان‌های کویتی که دو سال قبل در فیلیپین با آن‌ها آشنا شده بود را می‌بیند، آن جوان او به خانه‌اش دعوت می‌کند، عیسی نیز برای بردن وسایلش به داخل آپارتمان به او کمک می‌کند، به‌محض این‌که وارد می‌شود، دورتادور اتاق را به‌دقت نگاه می‌کند. عیسی با نوع نگاهش قصد دارد اطلاعاتی را در رابطه با محیط زندگی مخاطبش به دست بیاورد. این شخصیت داستان به جهت جمع‌آوری اطلاعات، به سمت زبان بدن گرایش یافته تا از طریق زبان بدن به نتیجه دست پیدا کند. وی در زمان ورودش به منزل جوان کویتی از ارتباط کلامی با او خودداری کرده و همین مسئله باعث شکل‌گیری نگاه‌های کنجکاوانه از جانب وی شده است. این پیام با عملکردی ارادی در قالب کارکرد جانشینی در داستان بکار گرفته شده است.

۳-۴ حرکات سر

سر به‌عنوان یکی از اعضای بدن می‌تواند پیام‌های غیرکلامی فراوانی را منتقل می‌سازد. «تقریباً می‌توان گفت تکان‌دادن سر به نشانه‌ی توافق و رضایت (از سمت بالا به پایین)، حرکتی جهانی و از رایج‌ترین حرکات‌های سر است. این رفتار به‌ظاهر ساده، معانی مختلفی دارد. علاوه بر نشانه‌ی تأیید و تصدیق، برای نشان‌دادن شناخت، فهم و درک و تشویق و ترغیب نیز به‌کار می‌رود.

۱-۳-۴ تأیید:

حرکات و اشارات سر پیام‌های بسیار متفاوتی را شامل می‌شود.

«ابتسمت لها هازاً رأسی إيجاباً» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۱۷).

ترجمه: «لبخندی زدم. سرم را به نشانه‌ی تأیید تکان دادم» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۴۴). عیسی برای اولین بار خوله را ملاقات کرد خوله با چهره‌ای باز و شکفته از او استقبال کرد و از او پرسید که عیسی است؟ عیسی نیز به‌طور آگاهانه در پاسخ به سؤال او سرش را به علامت تأیید تکان می‌دهد. عیسی به دلیل نداشتن شرایط روحی مناسب نمی‌تواند در قالب واژگان به سؤالات مخاطبش پاسخ دهد. در چنین شرایطی او به‌طور طبیعی به سمت زبان بدن سوق می‌یابد. زبان بدن نیز جایگزین کامل ارتباط کلامی می‌شود و نشان می‌دهد بافت ارتباط اجازه‌ی به‌کارگیری ارتباط کلامی را به شخصیت داستان نمی‌دهد. وقتی عیسی نتواند در قالب کلمات پاسخ مخاطب خود را بدهد این زبان بدن است که در روند ارتباطات میان فردی شخصیت‌های داستان نقش‌آفرینی می‌کند. هدف عیسی از به‌کارگیری زبان بدن تنها در تأیید کردن حرف مخاطب است. وی به دلیل نامناسب بودن شرایط روحی‌اش قادر نبوده به‌صورت کلامی با مخاطب خود ارتباط برقرار کند در نتیجه مجبور می‌شود مقصود خود را در قالب زبان بدن با کارکرد جانشینی و ارادی نمایان سازد.

۲-۳-۴ اندوه

رویاری با واقع تکان‌دهنده و ناراحت‌کننده یکی از عواملی است که باعث به وجود آمدن اندوه در وجود افراد می‌شود. سر به خاطر این‌که در نقطه حساس بدن قرار دارد، باعث می‌شود افراد توجه بیشتری به آن داشته باشند، مخصوصاً زمانی که فرد سرش خم شده باشد و به سمت پایین متمایل شده باشد به‌وضوح بیان‌گر اندوه و ناراحتی فرد است. با این حالت، گیرنده‌ی پیام متوجه می‌شود که او در درون خود از چیزی ناراحت و اندوهگین شده است و این‌که قصد ندارد آن را با مخاطبش در میان بگذارد. «أفقلت جدتك الخط. أطرق راشد، وبينما كانت السماعه في يده لاتزال، قال يغالب بكاءه: "تقول والدتي..."» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۵۱). ترجمه: «مادربزرگت گوشه را قطع کرد. راشد سرش را زیر انداخت، درحالی‌که گوشه‌ی تلفن همچنان در دستش بود و با اشک‌هایش کلنجار می‌رفت، گفت مادرم می‌گوید...» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۶۵). موقعی که مادربزرگ گوشه را قطع می‌کند، موجبات اندوه بیشتر راشد می‌شود زیرا وی سرش را به سمت پایین می‌اندازد. راشد از بیان احساسات درونی خود در قالب واژگان به‌شدت دوری می‌کند. او به دلیل مرد بودن جرئت نمی‌کند با مخاطبش گپ و گفتی انجام دهد و او را از شرایط بد خود، آگاه کند؛ به‌طور ناخودآگاه به سمت زبان بدن گرایش می‌یابد. زبان بدن در چنین شرایطی جایگزین کامل ارتباط کلامی می‌شود و نشان می‌دهد پایین انداختن سر شخصیت داستان علامت کلاسیک اندوه و ناراحتی او است؛ و منجر شده که شخصیت داستان به‌دوراز واژگان مفهوم مورد نظر را به سمت مخاطب انتقال دهد و او را متوجه وضعیت بد خود سازد. او که در چنین شرایطی سرشار از احساسات منفی (اندوه) است اقدام به برون‌ریزی این احساسات در قالب حرکات سر می‌نماید. بعضی از روان‌شناسان اعتقاد دارند که این حالت سر (سرش را پایین انداختن) نشان‌دهنده درون‌نگری عمیقی شخصیت داستان است که به علت احساسات منفی همچون غم‌واندوه در وجود او پدید آمده است. (ودایع، ۱۳۹۵: ۹۴).

۴-۴ حالت‌های درونی

در دیگر بخش‌های اعضای بدن از ارتباط غیرکلامی، غیرارادی در زمینه قلب می‌پردازیم که هر یک از موارد به‌نوبه‌ی خود نشان‌دهنده‌ی پیامی هستند. تپش قلب در ارتباط غیرکلامی نشان‌دهنده ترس، اضطراب و هیجان دانست. در این بخش از حرکت‌های اندامی به نمونه‌های قلب در ارتباط غیرکلامی، غیرارادی اشاره می‌شود.

۱-۴-۴ ترس

از دیگر رفتارهای غیرکلامی که در ساق البامبو مشاهده می‌شود و رفتاری غیرارادی به حساب می‌آید، بالا رفتن ضربان قلب است که می‌تواند نشانه‌ی ترس و اضطراب یا نشانه خوشحالی باشد. «التفت غسان إلى: "قَبْلَ جبین جدتك". تسارعت دقات قلبی. أَمَعْتَ النظر فی جبینها وكأننی أوشك على تقبيل صفيح ساخن. لم تكن تنظر إلى. تقدمت نجوها تدعمني ابتسامه غسان والسعادة على وجه خوله» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۱۹). ترجمه: «غسان رو به من کرد: «پیشانی مادر بزرگت را ببوس». قلبم تندتند می‌زد. در پیشانی‌اش زُل زدم، انگار باید بر یک ورقه‌ی داغ بوسه می‌زدم. نگاهش به من نبود. به سمتش رفتم، لبخند غسان و شادی چهره‌ی خوله، دلگرم می‌کرد» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۴۶). بالا رفتن ضربان قلب به نشانه ترس یکی از پیام‌های غیرکلامی است که راوی به محض ملاقات مادر بزرگش دچار استرس و ترس می‌شود. وی که تاکنون با چنین صحنه‌ای روبرو نشده، مضطرب شده است. در این بخش شدت یافتن ضربان قلب نشانه بر اضطراب و استرس حاکم بر وجود اوست که با کارکرد جانشینی و حرکتی غیرارادی، به‌طور ناخودآگاه به سمت زبان بدن گرایش یافته، او که نمی‌تواند احساسات درونی خود را سرکوب نماید؛ ناچار این احساس را در قالب زبان بدن بروز می‌دهد. این مسئله منجر می‌شود که زبان بدن در چنین شرایطی جایگزین کامل ارتباط کلامی شود و پرده از اسرار درون وی بردارد.

۵-۴ حرکت لب و دهان

یکی از متفاوت‌ترین علائم زبان بدن، اشاره‌های لب و دهان است که نقش بسیار مؤثری را در ارتباط غیرکلامی ایفا می‌کند و به‌واسطه آن می‌توان ناراحتی، بیماری، تعجب و خستگی و ... را دریافت کرد.

۱-۵-۴ ترس

لب‌های لرزان و گر گرفتن لب‌ها گاهی نشانه‌ی ترسیدن است. «طأطأت مرة أخرى. كرر غسان: "قَبْلَ جبینها یا عیسی". الصفيح الساخن تشتد حرارته. رعشة شفتی تزداد» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۱۹). ترجمه: «باز سرم را زیر انداختم. غسان مجدداً گفت: «عیسی پیشانی‌شان را ببوس». ورقه‌ی آهنی هرچه بیشتر گر می‌گرفت بر لرزش لب‌هایم می‌افزود...» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۴۷). موقعی که عیسی برای بوسیدن پیشانی مادر بزرگش، صورتش را به او نزدیک می‌کند از ترس لب‌های عیسی به‌صورت غیرارادی به‌لرزه می‌افتد و در وجودش ترسی به وجود می‌آید که باعث به‌لرزه افتادن لب‌های عیسی می‌شود. این حرکت در قالب کارکرد جانشینی نمود یافته است.

۶-۴ زبان گریه

یکی از ابتدایی‌ترین کارکردهای گریه، اندوه و ناراحتی است. یکی از نخستین حرکات نوزاد هنگام ورود به این دنیا، گریه‌ای جان‌گداز برای از دست دادن راحتی و امنیت رحم مادر است؛ اما با قرار گرفتن در شرایط و موقعیت‌های مختلف می‌تواند مفهوم‌های دیگری چون عجز، پشیمانی، اظهار اندوه، خشم و همدردی، رنج، ناخشنودی، ضعف و غیره داشته باشد.

۱-۶-۴ اندوه

گریه یکی از آشکارترین رفتارهای انسانی است که در زمان ناراحتی و اندوه اتفاق می‌افتد؛ گریه کردن نیز نشانه‌ای جهانی برای ناراحتی است. «اختفت خالتي أيدا فی غرفتها، وبكت والدتي حظها فی حين تعالی صوت جدی: "كَفَى عن البكاء واستعدی للعمل كما خططت لك". خرج الجار من المنزل، واستلقى جدی علی ظهرة فوق أريكة مهترئة، وجلست والدتي علی الأرض تندب حظها» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۳). ترجمه: «خاله آیدا در اتاقش پنهان شد، مادرم به خاطر بخت بدش گریست، درحالی‌که صدای پدر بزرگم بالا رفت: «گریه بس است، طوری که من برای برنامه‌ریزی می‌کنم تو آماده‌ی کار می‌شوی».

همسایه رفت و پدر بزرگم روی یک تخت فکستنی دراز کشید و مادرم روی زمین نشست و به بخت بدش مویه کرد» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۳۵). به دلیل این که خانواده از پس چنین مبلغی بر نمی آمدند، به شدت ناراحت و ناامید شدند؛ و همچنین ژوزفین دیگر طاقت شنیدن حرف های پدرش را نداشت، به همین علت با دلی شکسته به بخت بدش گریه می کند. گریه کردن ژوزفین حاکی از آسیب پذیری و پایین آمدن قدرت تحمل او در برابر مشکلات زندگی است؛ زیرا این شخصیت از روحیه حساس زنانه برخوردار است و نمی تواند در مقابل مشکلات زندگی مقاومت کند در نتیجه تمام عواطف و احساسات منفی خودش را در قالب زبان بدن نشان می دهد. زبان بدن این امکان را به او می دهد تا با این طریق قدری از درد و ناراحتی روحی خود را کاهش دهد. زبان بدن در عبارت «وجلست والدتی علی الأرض تندب حظها» گویای آن است که نشستن و گریستن ژوزفین حاکی از غم سنگین درون او است. وی با روبه رو شدن با این مشکل به شدت اندوهگین و ناراحت شده و ترجیح می دهد به سمت زبان بدن رو بیاورد. زبان بدن در چنین شرایطی جایگزین ارتباط کلامی می شود. این مسئله باعث می شود که زبان بدن در روند تعاملات میان فردی شخصیت های داستان از نقش دوچندانی برخوردار باشد و از سوی دیگر به شفافیت پیام مورد نظر بیفزاید که به صورت غیرارادی و با رویکردی جانشینی در داستان به کار رفته است.

۴-۷ پیرازبان

فقط حرکات و حالات بدن جزء ارتباطات غیرکلامی نیست، بلکه تغییرات در گفتار و لحن نیز می توان به صورت غیرکلامی احساسات و هیجانات درونی را به دیگران انتقال داد. «پیرازبان عبارت است از ارتباط صوتی بدون استفاده از کلمات و شامل اصواتی چون زمزمه ها و نفس نفس زدن و از ویژگی های این اصوات بلندی، ضرب آهنگ، زیر و بم و آهنگ است. اصوات، ابزارهای چندمنظوره ای هستند که به دیگران می گویند چگونه سخنان و رفتار ما را تفسیر کنند. این خصوصیات اصوات است که به دیگران علامت می دهند تا سخنان ما را به عنوان شوخی و تهدید، حقیقت، پرسش و ... تلقی کنند. مثلاً: زمزمه نشانه پنهان کاری و صمیمت است و داد و فریاد نشانه عصبانیت» (وود، ۱۳۷۹: ۳۳۰).

۴-۷-۱ شادمانی

صدای بلند از دیگر حرکات غیرکلامی در لحن آوایی است که به نشانه ی شادمانی آمده است. همچنین هلهله کردن از دیگر کارکردهای رفتاری لحن آوایی است که به هنگام شادمانی در مراسم دیده می شود. «ما إن تجاوز الباب الخشبي حتى انفجرت الـ كولو لولووش! ذلک الصوت الغریب الذی یصاحب أهزیج الهنود الحمر. صوت الحاد مرتفع كصافرة الحكم» (السنعوسی، ۲۰۱۲: ۲۶۵). ترجمه: «هنوز از در چوبی نگذشته بود که صدای کل کشیدن مثل ترکیدن بمب بلند شد! همان صدای عجیبی که از سرخ پوستان هنگام آواز خواندنشان می شنوی. صدایی تندوتیز و بلند مثل سوت داور» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۹۵). هلهله ی خاله نوریه در استقبال از پسرش نشانه ای از شادمانی و خوشحالی است که به صورت ارادی و در قالب کارکرد جانشینی به کار گرفته شده است. این مضمون با همین کارکرد در صفحه ۲۶۵ تکرار شده است.

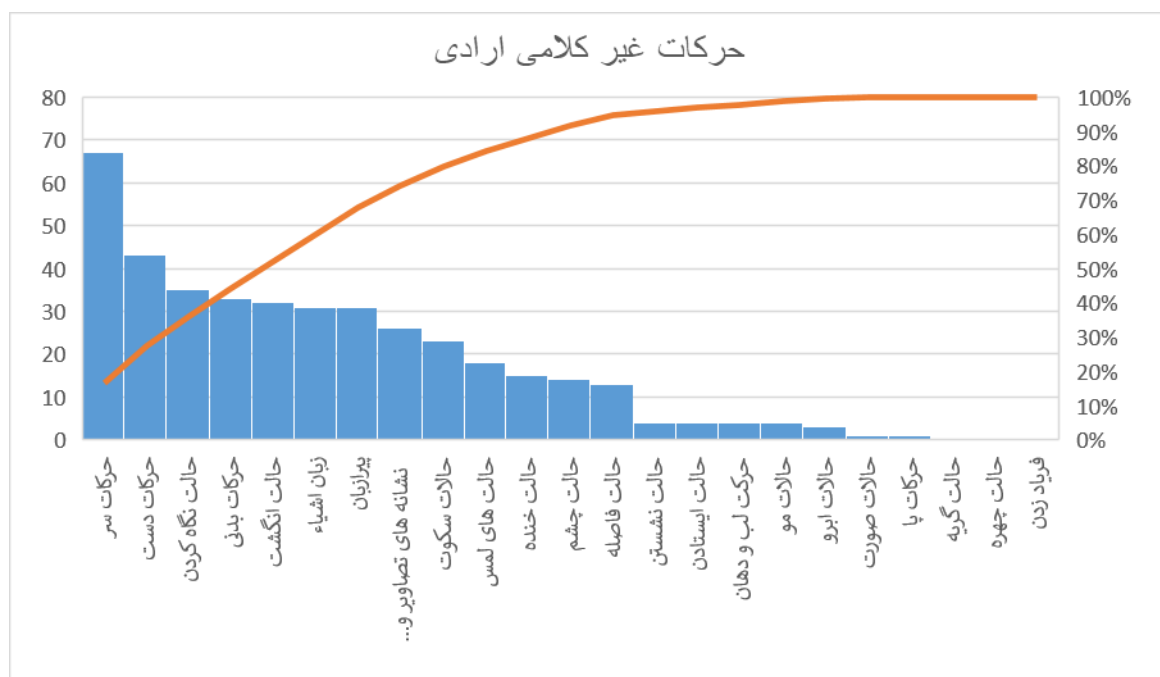
۴-۷-۲ اضطراب

یکی از مواردی که برای اظهار اضطراب به کار می رود، لکنت زبان است. در رمان هنگامی که راوی با تماس تلفنی با خواهرش گفتگو می کند به خاطر استرس، دچار لکنت زبان می شود. حرکت او کارکرد جانشینی و غیرارادی است؛ چراکه لکنت زبان او تنها نشان دهنده ی اضطراب اوست. «أخذت تغمغم كأنها تبحث عن مفردة مناسبة» (همان: ۲۲۹). ترجمه: «قدری من من کرد انگار که دنبال واژه ی مناسبی باشد» (اکبری و طهماسبی، ۱۴۰۱: ۲۵۷).

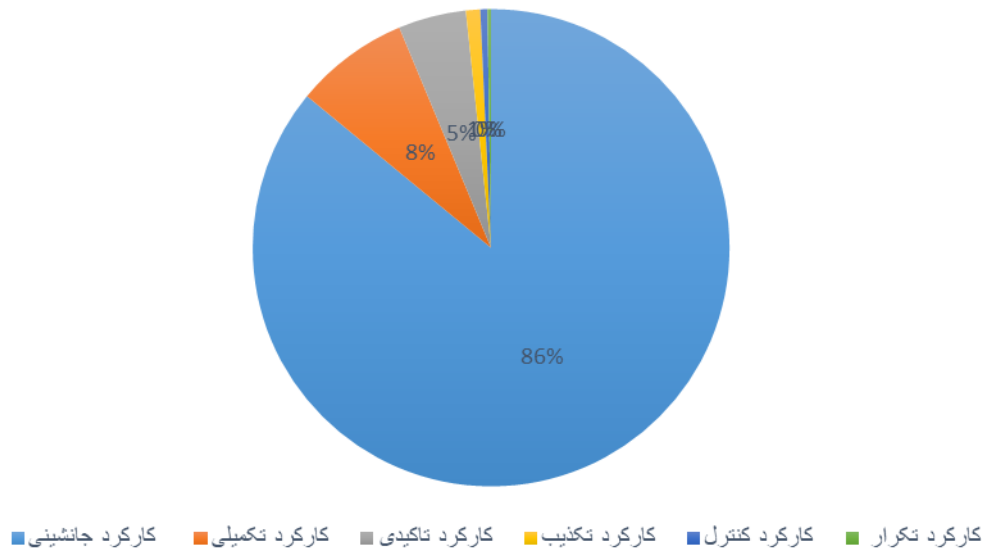
پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره ۸، شماره ۲، ۱۴۰۵

در قسمتی از داستان نیز زمانی که آیدا در مورد حادثه‌ی که برای آدریان افتاده است برای ژوزفین تعریف می‌کند دچار اضطراب می‌شود به‌طوری‌که برادرش ادامه ماجرا را به ژوزفین بیان می‌کند که با کارکرد جانشینی و غیرارادی صورت گرفته است. چراکه لکنت زبان او تنها نشان‌دهنده‌ی اضطراب او است. از آنجاکه حوادث و رخداد‌های رمان ساق البامبو در دو محیط متفاوت و با دو زبان مختلف به وقوع می‌پیوندد، یکی کویت و دیگری فیلیپین و به دلیل عدم آشنایی شخصیت اصلی داستان با زبان پدری (زبان عربی)، مجبور بوده برای انتقال پیام یا ارتباط با خانواده پدری از حرکات غیرکلامی ارادی سر بیشترین استفاده را داشته باشد که معانی مختلفی را داشته، از جمله حرکت سر بیشتر به‌منظور تأیید کردن و نفی کردن حرف مخاطب استفاده شده است که غالباً با کارکرد جانشینی و تکمیلی صورت گرفته است. به همین دلایل نیز حرکات ارادی دست نیز بیشترین بسامد را نسبت به حرکات غیرارادی دست داشته که با معانی مختلفی بکار رفته است.



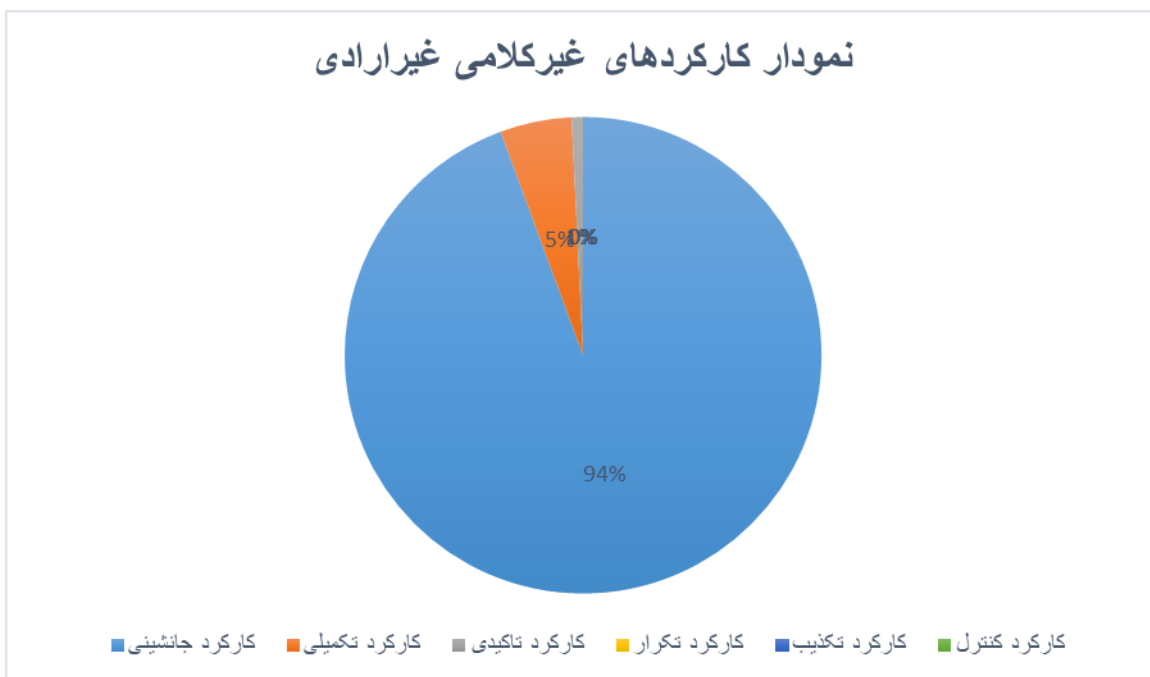
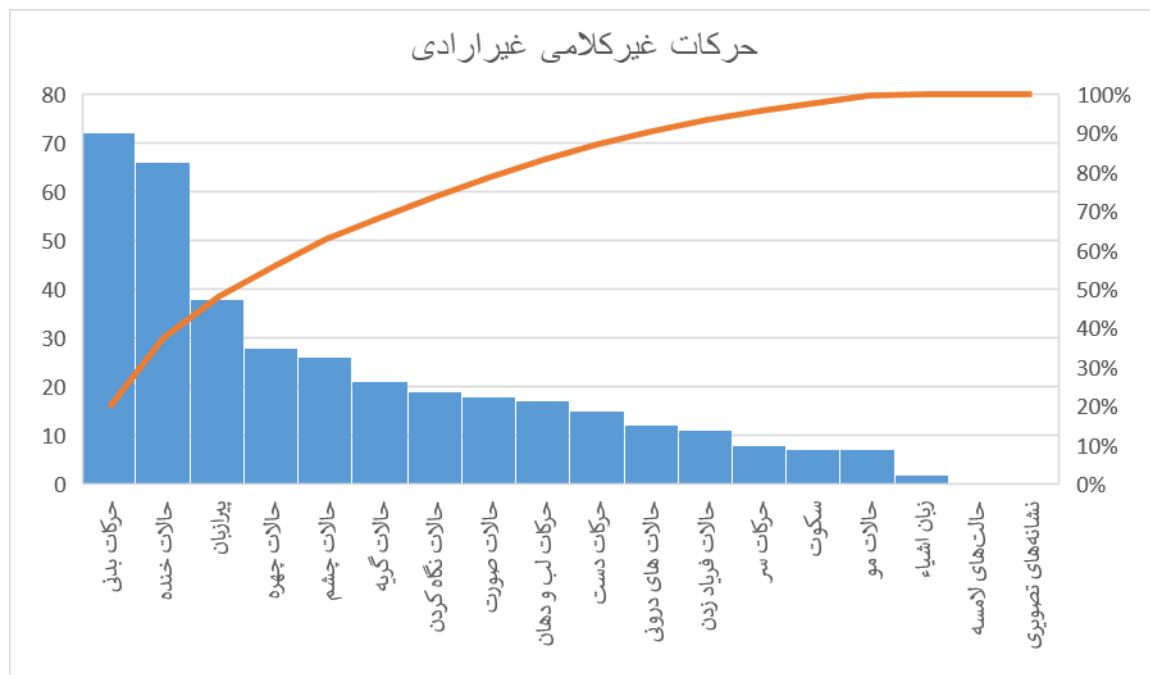
نمودار کارکردهای غیرکلامی ارادی



از بین حرکات غیرارادی نیز حرکات بدنی بیشترین کارایی را نسبت به حرکات بدنی ارادی داشته است. زمانی که افراد در یک فضا و محیطی قرار می‌گیرند که هیچ وجه اشتراکی از لحاظ ظاهری یا زبانی با یکدیگر ندارند و در جمع افرادی که هیچ آشنایی با آنها ندارند، قرار می‌گیرند، بیشتر دچار استرس و اضطراب می‌شوند به‌ویژه این‌که شخصیت داستان (عیسی) از سمت خانواده‌ی پدری خود طرد می‌شود و درد و رنج درونی شدیدی برای او ایجاد می‌شود و از طرفی حس ناتوانی و تنهایی یکی از احساسات منفی است که در قالب حرکات بدنی برای مخاطب بیان شده است. به همین ترتیب پس از حرکات بدنی، حالات خندیدن بالاترین بسامد را داشته، وجود خوله (خواهر عیسی) و گروهی از جوانان کویتی که سرشار از سادگی و سرزندگی هستند و با لبخند و شادی ماندن در کویت را برای شخصیت داستان (عیسی) آسان می‌کنند. نویسندگان از حالات خنده بیشتر برای انتقال معنا و مفهوم اولیه و اصلی آن یعنی رضایت و شادی را مدنظر داشته بهره برده و در داستان بکار برده است؛ و بیشترین مصداق‌های ارتباط غیرکلامی ارادی و غیرارادی، بر کارکرد جانشینی است.

پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره ۸، شماره ۲، ۱۴۰۵



منابع

- باقری خلیلی، علی اکبر، زلیکانی، مرضیه، (۱۳۹۴)، «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی»، ادبیات و زبان‌ها (متن‌پژوهی ادبی)، شماره ۶۵، صص ۷۹-۱۰۰.
- باوان‌پوری، مسعود، (۱۳۹۹)، «نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در پنج رمان برنده جایزه بوکر (بوکر) عربی بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ میلادی»، استادان راهنما: دکتر عبدالاحد غیبی، دکتر خلیل پروینی، دکتر مهین حاجی‌زاده، پایان‌نامه منتشر شده، مقطع دکتری، گرایش زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- پی ریچموند، ویرجینیا، مک‌کروسکی، جیمز سی، (۱۳۸۸)، رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی، ترجمه فاطمه سادات موسوی، ژیل‌ا عبدالله‌پور، چاپ دوم، تهران، نشر دانژه.
- چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، چاپ دوم، تهران، انتشارات سوره مهر.
- خادمی، نیره، (۱۳۹۴)، «بررسی نقش ارتباطات غیرکلامی در اجرای کنسرت‌های موسیقی ایرانی (سنتی)»، استادان راهنما: دکتر مهناز رونقی‌نوتاش، دکتر ساسان فاطمی، پایان‌نامه منتشر شده، کارشناسی ارشد، گرایش تحقیق در ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات و مطالعات رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- السنعوسی، سعود، (۱۴۰۱)، ساقه بامبو، ترجمه مریم اکبری، عظیم طهماسبی، چاپ سوم، تهران، انتشارات نیلوفر.
- السنعوسی، سعود، (۲۰۱۲)، ساق البامبو، ط ۲۹، بیروت، الدار العربیة للعلوم ناشرون.
- سیبیک، تامس آلبرت، (۱۳۹۱)، نشانه‌ها: درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه محسن نوبخت، چاپ اول، تهران، نشر علمی.
- علمایی، نسیم، (۱۳۹۰)، «قرآن از نگاهی دیگر: بررسی ارتباط غیرکلامی در قرآن و آموزه‌های روانشناسی»، بینات، شماره ۷۱، صص ۱۷۰-۱۹۰.
- علی‌محمدی، علی، (۱۳۹۵)، «هویت گمشده: نقدی بر رمان ساق البامبو»، فصلنامه نقد کتاب، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۷۹-۱۸۸.
- گل‌س، لیلیان، (۱۳۸۳)، چگونه می‌توانید فکر دیگران را بخوانید: استفاده از چهار کد ارتباطی برای خولندن فکر دیگران، ترجمه لعی‌ا موسایی، تهران، سپهر.
- محسنیان‌راد، مهدی، (۱۳۸۹)، ارتباط‌شناسی: ارتباط انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)، چاپ دهم، تهران، انتشارات سروش.
- مورنای، برونو، (۱۳۸۷)، طراحی و ارتباطات بصری: رهیافتی بر روش‌شناسی بصری، ترجمه پاینده شاهنده، چاپ پنجم، تهران، سروش.
- مولکو، سامی، (۱۳۹۵)، زبان تن: راهنمای تعبیر اشاره‌ها و حرکات بدن، ترجمه امید نوری خواجه‌وی، تهران، نشر باد.
- ودایع، پویا، (۱۳۹۲)، مهندسی زبان بدن، چاپ اول، تهران، نسل نواندیش.
- وود، جولیاتی، (۱۳۸۴)، ارتباطات میان فردی (روانشناسی تعامل اجتماعی)، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چاپ دوم، تهران، سهر کتاب و مهتاب.
- هاشمی، صادق، (۱۴۰۰)، نشانه، ارتباط و ای‌موجی (درآمدی بر ارتباطات و نشانه‌شناسی)، تهران، بوی کاغذ.